

ای حکام سرزمین‌های اسلامی! ﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ...﴾

(ترجمه)

الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [بقره: ۷۵]

ترجمه: آیا امید دارید که آنان به شما ایمان آورند، در حالی‌که گروهی از ایشان سخن الله را می‌شنیدند، سپس پس از آن‌که آن را درک می‌کردند، آگاهانه تحریفش می‌نمودند؟

آیا امید دارید که یهود و امریکاییان شما را باور نمایند (خیر و صلاح شما را تأمین کنند)؟! کسی که از آنان امید خیر و صلاح داشته باشد، جز گمراهی و زیان بیشتر از آنان نخواهد دید؛ زیرا آنان قومی مکار، پیمان‌شکن، بی‌دین و بی‌ذمه‌اند. واقعیت عینی امروز، خود گواه بر کردار سیاه و دل‌های سخت آنان است. چنان‌که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَفْلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخَّرُهُمْ لِيَوْمَ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾ (۴۲) ﴿مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْثَتْهُمْ هَوَاءَ﴾ (۴۳) [ابراهیم: ۴۲-۴۳]

ترجمه: و مپندار که الله از آنچه ستمگران می‌کنند غافل است؛ جز این نیست که آنان را تا روزی مهلت می‌دهد که در آن، دیدگان از هولِ صحنه خیره می‌گردد. آنان با گردن‌های برافراشته و چشمان بی‌پلک، شتابان خواهند آمد و دل‌هایشان تهی است.

پس گمان مبر که الله سبحانه و تعالی ستمگران را وا می‌گذارد و به حساب‌شان نمی‌رسد؛ بلکه تنها به آنان مهلت می‌دهد تا زمانی که موعدشان فرا رسد، و نه می‌توانند از محاسبه الله سبحانه و تعالی پیشی گیرند و نه پس بمانند.

این قدرت، زرق و برق و نعمت ظاهری که بر آنان سایه افکنده است، نعمت نیست بلکه نعمت است و در آن هیچ رحمتی نیست، چراکه آنان از الله سبحانه و تعالی نافرمانی کرده‌اند و اربابانی غیر از الله را برای خود گرفته‌اند.

مقصود از "الظالمون" در این آیات، همان یهود و امریکاییان هستند و نیز آنان از میان مسلمانان که به آنچه الله نازل کرده حکم نمی‌کنند و در داوری و حکومت، از قوانین و احکام وضعی بشری پیروی می‌نمایند، و بدین‌سان الله سبحانه و تعالی و رسول الله صلی الله علیه و سلم را نافرمانی می‌کنند.

﴿إِنَّمَا يُؤَخَّرُهُمْ لِيَوْمَ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾ [ابراهیم: ۴۲]

ترجمه: الله آنان را تا روزی مهلت می‌دهد که در آن، دیدگان از هول حادثه خیره می‌گردد.

یعنی الله سبحانه و تعالی همگان را تا روزی به تأخیر می‌اندازد که چشمانشان از شدت وحشت، بی‌حرکت و خیره در هوا می‌ماند و چیزی نمی‌بینند.

﴿مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْثَتْهُمْ هَوَاءَ﴾ [ابراهیم: ۴۳]

ترجمه: در حالی‌که شتابان می‌دوند، سرهایشان را برافراشته، چشمانشان پلک نمی‌زند و دل‌هایشان تهی است.

در آن روز، پیکرهایشان مبهوت و بی‌اختیار است، حرکات‌شان شتاب‌زده و نامتعادل، گردن‌هایشان کشیده و منقبض، سرهایشان از خفت و خواری فرو افتاده، و دل‌هایشان تهی و بی‌قرار است، چشمان‌شان خیره و بی‌حرکت در هوا می‌ماند؛ آنان نه جنتی دارند و نه برهانی که بتوانند در برابر عدالت الله سبحانه و تعالی اقامه کنند. در حالی‌که الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كُفْرِينَ (۱۰۰) وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ءَايَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۚ وَمَن يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝۱۰۱﴾ [آل عمران: ۱۰۰-۱۰۱]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از گروهی از اهل کتاب اطاعت کنید، شما را پس از ایمان آوردنتان به کفر خواهند بازگرداند. چگونه کافر می‌شوید در حالی‌که آیات الله بر شما خوانده می‌شود و در میان شما رسول او نیز هست؟ و هر که به الله تمسک جوید، به راهی راست هدایت شده است.

اطاعت از اهل کتاب و پیروی از ایشان و پذیرش نظام‌ها و قوانین وضعی آنان، خواه از سر تلقی گرفتن و خواه از سر قبول بی‌چون‌وچرای برداشت‌های فکری‌شان، یک شکست درونی فکری و روانی است که شخصیت اسلامی را زیر و زبر می‌سازد. این تسلیم بی‌قید و شرط، به مرور هویت اسلامی را از میان می‌برد و ایمان جمعی را تحلیل می‌کند؛ زیرا وقتی تسلیم سازماندهی و قواعد غیر اسلامی شوند، اطاعت از کفار و پیروی از ارزش‌های آنان، ملاک عمل خواهد گشت و تمایز اعتقادی و هویت‌بخشی جامعه اسلامی از میان می‌رود.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كُفْرِينَ (۱۰۰)﴾ [آل عمران: ۱۰۰]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از گروهی از اهل کتاب اطاعت کنید، شما را پس از ایمان آوردنتان به کفر خواهند بازگرداند.

یعنی اگر شما از آنان در گرفتن نظام‌ها و قوانین‌شان در حکم، قضاوت و تدبیر امور زندگی و سیاست خود پیروی کنید و بر اساس آیین آنان جامعه خویش را سامان دهید، آنان شما را پس از ایمان، دوباره به وادی کفر و گمراهی خواهند کشاند. این همان چیزی است که در واقعیت امروز جهان اسلام آشکارا دیده می‌شود؛ در بسیاری از سرزمین‌های مسلمانان، به شریعت الله سبحانه و تعالی حکم نمی‌شود، بلکه ستم، فساد و بی‌عدالتی بر آنان چیره گشته است.

وظیفه مسلمانان آن است که به شریعت الله سبحانه و تعالی پای‌بند باشند و تنها به آن تمسک جویند، چه در داوری و چه در تدبیر امور. زیرا امت اسلامی باید زندگی خود را بر اساس شریعت و منهج الهی بنا کند و سامان دهد، نه آنکه از راه و روش کفار در سیاست، اقتصاد و اجتماع پیروی نماید.

ایمان به اسلام اقتضا می‌کند که حکم، داوری، قضاوت، دادرسی، عدالت، انصاف و تنظیم تمامی شئون زندگی مردم، همگی تنها بر اساس شریعت اسلامی صورت گیرد و هیچ مرجع و قانونی جز آن پذیرفته نشود. چنان‌که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَا ءَاتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [الحشر: ۷]

ترجمه: هر آنچه رسول الله برای شما آورد، بگیرید، و از آنچه شما را از آن بازداشت، دوری کنید، و از الله تقوا داشته باشید، که الله سخت‌کیفر است.

پس مسأله حکم کردن به آنچه الله نازل کرده، مسأله‌ای مربوط به ایمان، صحت و شرط آن است؛ زیرا مؤمنان تنها به آنچه الله سبحانه و تعالی بر رسول خود صلی الله علیه و سلم نازل کرده است حکم می‌کنند و نه چیزی را از آن می‌کاهند، نه چیزی بر آن می‌افزایند و نه آن را با قانون دیگری جایگزین می‌سازند.

اما کافران، ظالمان و فاسقان کسانی‌اند که به آنچه الله تبارک و تعالی نازل کرده حکم نمی‌کنند! پس اگر از اهل کتاب پیروی کنید و از نظام‌ها و قوانین آنان تبعیت نمایید، در حقیقت همانند ایشان خواهید بود، چنان‌که الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿يُرَدُّوْكُمْ بَعْدَ اِيْمَانِكُمْ كُفْرِيْنَ﴾ [آل عمران: ۱۰۰]

ترجمه: شما را پس از ایمانتان به کفر باز می‌گردانند.

آری، اگر چنین کنید، با اطاعت از آنان، کافر خواهید شد. و الله سبحانه و تعالی هشدار داده است:

﴿وَكَيْفَ تَكْفُرُوْنَ وَاَنْتُمْ تَتْلُوْنَ عَلَيْنَا اٰيَاتِ اللّٰهِ وَفِيْكُمْ رَسُوْلُهُ﴾ [آل عمران: ۱۰۱]

ترجمه: چگونه کافر می‌شوید در حالی‌که آیات الله بر شما تلاوت می‌شود و در میان شما رسول او حضور دارد؟

بی‌تردید، گناهی بزرگ و مصیبتی سنگین است که مسلمان پس از ایمان آوردن، به کفر بازگردد، در حالی‌که می‌داند الله حق است و رسول الله صلی الله علیه و سلم رسالت را ابلاغ و امانت را ادا کرده است. مسلمانان پس از رسول الله صلی الله علیه و سلم به شرق و غرب زمین دست یافتند و دعوت اسلام را تا دورترین سرزمین‌ها رساندند. ما نیز، همان‌گونه که مسلمانان نخستین مورد خطاب قرآن کریم و سنت نبوی قرار گرفتند، به همان خطاب و همان مسؤولیت‌ها مکلفیم؛ آنان امانت را ادا کردند و پیام رسول الله صلی الله علیه و سلم را به شایستگی، رساندند. اما امروز، گویا ما بر عقب خود بازگشته‌ایم؛ نه آیات الله سبحانه و تعالی ما را به حرکت می‌آورد و نه سنت رسول او صلی الله علیه و سلم در ما تأثیر می‌گذارد.

﴿وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللّٰهِ فَقَدْ هُدِيَ اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيْمٍ﴾ [آل عمران: ۱۰۱]

ترجمه: و هر کس به الله چنگ زند، به راهی راست هدایت یافته است.

چنگ زدن به ریسمان الله، یعنی تمسک به دین او، توکل بر او و پناه بردن به او. هر کس به دین الله تمسک جوید، در حقیقت الله سبحانه و تعالی و رسول الله صلی الله علیه و سلم را اطاعت کرده است. و جایز نیست که در عقیده، منهج و تنظیم امور زندگی، از هیچ منبعی جز آنچه بر رسول الله صلی الله علیه و سلم نازل شده است، هدایت گرفته شود؛ زیرا تنها آنچه از سوی الله سبحانه و تعالی نازل گردیده، معیار حق و هدایت است. از عبدالله بن ثابت چنین روایت است:

«جاء عمرُ بنُ الخطابِ إلى النبیِّ صلی الله علیه و سلم فقال: یا رسولَ الله، إني مررتُ بأخٍ لي من قریظة، فکتبَ لي جوامعَ من التوراة، ألا أعرضُها عليك؟ قال: فتغیر وجهُ رسولِ الله صلی الله علیه و سلم. قال عبدُ الله: فقلتُ له: ألا تری ما بوجهِ رسولِ الله صلی الله علیه و سلم؟ فقال عمر: رضينا بالله ربًّا، وبالإسلام دينًا، وبمحمدٍ صلی الله علیه و سلم رسولًا. قال: فسُري عن النبیِّ صلی الله علیه و سلم ثم قال: «والذي نفسي بيده، لو أصبح فيكم موسى ثم اتبعتموه وتركتموني لضللتم، إنكم حظي من الأمم، وأنا حظكم من النبیین» (رواه أحمد)

ترجمه: عمر بن خطاب رضی الله عنه نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و گفت: ای رسول الله! از کنار یکی از برادرانم از بنی قریظه گذشتم و او برای من نکاتی از تورات نوشت؛ آیا آن‌ها را بر شما عرضه نکنم؟ چهره رسول الله صلی الله علیه و سلم دگرگون شد. عبدالله می‌گوید: به عمر گفتیم: آیا نمی‌بینی که چهره رسول الله صلی الله علیه و سلم چگونه تغییر کرده است؟ عمر گفت: "رضینا بالله ربًّا، وبالإسلام دينًا، وبمحمدٍ صلی الله علیه و سلم رسولًا" ما راضی هستیم از اینکه الله پروردگار ماست، اسلام دین ماست و محمد صلی الله علیه و سلم پیامبر ماست. در این هنگام، حالت دگرگونی از

رسول الله صلى الله عليه وسلم برطرف شد و فرمود: قسم به آن که جانم در دست اوست، اگر موسی در میان شما زنده می بود و شما او را پیروی می کردید و مرا و می گذاشتید، هر آینه گمراه می شدید. همانا شما نصیب من از میان امت ها هستید و من نصیب شما از میان پیامبرانم..

این، همان منهج و روش رسول الله صلى الله عليه وسلم است؛ که هرگونه تلقی، اقتباس یا پیروی از اهل کتاب و دیگران را در آنچه مربوط به عقیده، شریعت و شعائر دینی است، به طور کامل منع می فرماید.

یعنی در هر آنچه به تنظیم امور زندگی، حکومت بر مردم، اداره جامعه و تأمین مصالح آنان در تمام ابعاد زندگی مربوط می شود، مسلمان حق ندارد از غیر وحی الهی اخذ کند؛ زیرا لازم است که تمام نظام ها، قوانین و احکام، همگی برآمده از کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول الله صلى الله عليه وسلم باشند و نه از هیچ منبع دیگر.

این درحالی است که اهل کتاب از همه مردم، حریص تر بر گمراه کردن امت اسلامی از عقیده و ایمان راستینش هستند؛ زیرا عقیده اسلامی سرچشمه قدرت، عزت، الهام، ایثار، شهادت و یاری مظلومان است، و از همین عقیده است که توان نشر اسلام، دین حق، عدالت و انصاف در میان مردم برمی خیزد.

پروردگارا! گناهان ما و زیاده روی ما را در کارهایمان ببامرز، گام های ما را استوار بدار و ما را بر قوم کافران پیروز گردان! بر ما، بر پدر و مادرانمان، و بر هر کسی که بر ما حق دارد، و بر همه مؤمنان در روزی که حساب برپا می شود، رحمت فرست.

و درود و سلام و برکت فرست بر سید ما محمد صلى الله عليه وسلم، و بر خاندان و یاران او، همگی. به راستی حمد و ستایش از آن الله، پروردگار جهانیان است.

﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِۦ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: ۲۱]

ترجمه: و الله بر فرمان و اراده خویش چیره است، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

این آیه مبارکه بیانگر آن است که اراده الله سبحانه و تعالی بر همه امور غالب است؛ هیچ نیرویی نمی تواند حکم و تقدیر او را باطل سازد. هرچند مردم در ظاهر اسباب و حوادث را می بینند و گمان می برند که تدبیرها از آنان است، اما در حقیقت، تقدیر الله است که همه چیز را اداره می کند و غلبه مطلق تنها از آن اوست.

برگرفته از شماره 470 الوعی

نویسنده: ابراهیم سلامه

مترجم: محمد علی مطمئن